



## بیست سال نبرد خسته‌گی ناپذیر؛

### نباید به امروز می‌رسیدم



از کلثوم (اسم مستعار) می‌پرسم که زنده‌گی از کجا به بعد با تکان محکم و سنگینش روبه‌رویت کرد، به یاد داری برایم بازگو کنی؟ می‌گوید: «به پدرم گلوله غیبی خورد. او وقتی در سر زمین‌ها کار می‌کرد، جنگ شدیدی میان نیروهای امنیتی دولت قبلی و طالبان درگرفت. من پدرم را در آن جنگ از دست دادم. پدرم دهقان و آدمی بی‌طرف بود، طعمه جنگ شد.» آن زمان کلثوم صنف یازدهم مکتب بود. او در خانواده‌ای قیدگیر و سنتی متولد شده بود و تنها شانس‌ی که از روزگار آورده بود، این بود که یگانه لیسسه دخترانه در قشلاق بالایی...

۵

### موضع چین در جنگ اوکراین

۴

۳ صفحه

### گزارش سالانه بانک جهانی؛

## اعمال محدودیت طالبان بر زنان بحران بشری را بدتر می‌کند



### دستور طالبان به مراکز صحتی در غزنی؛

### زخمیان رویدادهای ترافیکی با موتورسایکل تداوی نشوند



صبح، غزنی: منابع محلی در ولایت غزنی می‌گویند که طالبان به مراکز صحتی در این ولایت دستور داده‌اند تا از تداوی افرادی که در رویدادهای ترافیکی یا موتورسایکل زخمی می‌شوند، خودداری کنند. منابع معتبر از شفاخانه ولایتی غزنی روز دوشنبه، ۲۹ جوزا، به روزنامه ۸ صبح تایید کرده‌اند که از یک هفته به این سو و پس از هشدار طالبان، ده‌ها زخمی ناشی از حادثه ترافیکی با موتورسایکل، از دریافت خدمات در این مرکز صحتی محروم شده‌اند. به گفته منابع، زخمی‌ها و پایبازهای آنان پس از ساعت‌ها انتظار و سرگردانی مجبور می‌شوند تا بیماران خود را به خانه و یا با هزینه‌های گزاف به ولایت‌های هم‌جوار انتقال دهند. طالبان ظاهراً این هشدار را پس از افزایش رویداد ترافیکی در غزنی صادر کرده‌اند، اما برخی از کارمندان صحتی این کار طالبان را خلاف قوانین صحت عامه می‌دانند. با این حال، طالبان تا کنون در مورد دلیل این دستور شفاهی چیزی نگفته‌اند. این در حالی است که امروز (دوشنبه، ۲۹ جوزا) پس برخورد یک موتورسایکل با یک موتر در کندز سه تن جان باختند.

### ملاهبث‌الله: باید در برابر فشار غرب تسلیم نشویم و مبارزه کنیم



سخنان را ۱۰ روز پیش در دیدار با رییس‌ان اطلاعات و فرهنگ ولایت‌ها بیان کرده است. رهبر طالبان افزوده است: «منشور جهان این بود که حاکم کابل به رسمیت شناخته شود، اما امروز طالبان باید در برابر فشار غرب تسلیم نشوند و مبارزه کنند. عبدالواحد ریان، رییس خبرگزاری باختر تحت مدیریت طالبان روز دوشنبه، ۲۹ جوزا، با نشر توپیت‌هایی به نقل از هبت‌الله نوشته که او این

گرفته‌اند و بدون دستور آن‌ها جهان کاری نمی‌تواند. در سخنان منسوب به رهبر طالبان به اعضای این گروه توصیه شده است که به دنبال اهداف خود باشند تا به سرنوشته مجاهدین پس از پیروزی بر شوروی پیشین گرفتار نشوند. به گفته او، طالبان باید در استخدام کارمندان به جای «رفاقت» به «شایسته‌گی» آن‌ها توجه کند و تلاش نکنند که از قدرت استفاده شخصی کنند. او علاوه کرده است که اعضای طالبان دست به «بدعت» و «امور ناپسند» نزنند و مطابق احکام قرآن و سنت «حکومت» کنند. گفته‌های رهبر طالبان در حالی بیان می‌شود که او پیش از این نیز گفته بود که تعامل این گروه با جهان در روشنائی «احکام شریعت دین مقدس اسلام» است. منتقدان رژیم طالبان سیاست‌های این گروه، به‌ویژه در مورد زنان را براساس اسلام و آموزه‌های اسلامی نمی‌دانند. با گذشت نزدیک به دو سال از روی کارآمدن طالبان هیچ کشوری به‌شمول متحدان این گروه، آنان را به رسمیت نشناخته‌اند.

### طالبان مکتب‌های ولایت سردسیر را از فردا تا ۱۲ سرطان رخصت کردند

صبح، کابل: وزارت معارف طالبان اعلام کرده است که مکتب‌های دولتی و خصوصی ولایت‌های سردسیر، سر از فردا تا ۱۲ سرطان سال روان رخصت می‌باشند. این وزارت روز دوشنبه، ۲۹ جوزا، با ارسال مکتوبی نوشته است که این تصمیم براساس پیشنهاد اداره محلی و ریاست‌های معارف ولایات به دلیل عید قربان و هوای گرم گرفته شده است. به گفته وزارت معارف طالبان، معلمان و کارمندان اداری مکاتب رخصت نمی‌باشند و باید به وظایف خود حاضر باشند. این وزارت افزوده است که پس از ختم رخصتی امتحانات چهارونیم ماهه شاگردان آغاز خواهد شد. گفتنی است که در روزهای اخیر دمای هوا در شماری از ولایات به‌شمول کابل بالا رفته است و درجه حرارت امروز در کابل، ۳۱ درجه سانتی‌گرید بود.

۲ صفحه

### آغاز پنج‌جاسومین نشست شورای حقوق بشر؛ بنت خواستار تلاش برای پایان محرومیت زنان افغانستان شد



۶ صفحه

### جمعیت افغانستان از برخورد سیاسی تا بحران آینده





## توصیف فاجعه کافی نیست

در نشست دیروز نمایندگان کشورها و سازمان‌های مدافع حقوق بشر در جینوا شرح نسبتاً مفصلي از وضعیت زنان بعد از تسلیمی قدرت به طالبان داده شد. هیچ سخنرانی نگفت که طالبان حقوق بشر را نقض نمی‌کنند و مردم افغانستان مستحق امارت طالبانی‌اند. به‌درستی توضیح داده شد که طالبان مانع دسترسی زنان به خدمات صحتی، تعلیم و کار شده‌اند. گفته شد که زنان گرفتار زنجیره پیچیده‌ای از محرومیت‌های ضدانسانی شده‌اند و اداره حاکم و جامعه مردسالار زنده‌گی را برای اکثر زنان چنان دشوار ساخته که برخی دست به خودکشی می‌زنند. از کشتن زنان، افزایش خشونت‌های خانوادگی، ازدواج اجباری، فروش کودکان، قاچاق زنان و کودکان و بی‌جا شدن آنان گزارش شد. سخنان اشتراک‌کننده‌گان از آن چه باید در توصیف یک بحران بشری دردناک و نیازمند اقدام فوری جهانی گفته شود، کم نداشت. اما این گزارش‌ها چگونه اقداماتی را باید در پی داشته باشند؟ آیا تنها پروژه‌های گزارش‌دهی تمدید شود و کار آنانی که مشغول مطالعه و ارزیابی وضعیت حقوق بشری مردم افغانستانند، ادامه یابد؟ چگونه باید این بحران را متوقف کرد و چطور مانع چنین نقض گسترده حقوق مردم افغانستان شد؟ آیا با طالبان می‌توان بر سر مسایل حقوق بشری مذاکره کرد و با تشویق و تبلیغ، آن گروه را وادار به ساختن امارتی ساخت که در آن حقوق بشری احترام شود؟

طالبان از اظهار نفرت به قواعد جهانی آزادی و حقوق بشر ابا ندارند، بلکه سرکوب آزادی و «نجات» مردم افغانستان از «حقوق بشر» را ماموریت اصلی خود می‌دانند. آنان حقوق بشر و آزادی‌ها را مایه شر و منبع فساد می‌خوانند و آدم‌ها را به جرم تقاضای آزادی‌های ابتدایی چون تعلیم به زندان می‌اندازند، شکنجه و سر به نیست می‌کنند. افراد غیرسیاسی بسیاری به اتهام تلاش برای بازشدن مکاتب اکنون در زندان‌ها به سر می‌برند. هیچ دلیلی وجود ندارد که تصور کنیم در نظام طالبانی، زنان به آزادی برسند و نقد آن گروه منجر به اصلاحات در رفتار و سیاست‌هایش گردد. روایت حاکم در بین آن گروه و ذهنیتی که براساس آن سربازگیری می‌کند، ساختن دولت و اداره‌ای را که مشغول تنظیم امور باشد و برای آسایش و پیشرفت مردم کار کند، منتفی می‌داند. فاجعه اصلی این است که اداره افغانستان طی مذاکرات طولانی و توافق نامه رسمی، به گروهی سپرده شد که به اداره باور ندارد، با هر گونه نظامی که جامعه را از حالت بدوی بکشد دشمنی دارد و مهارت اصلی‌اش ویرانگری و نفی است. حال همان «نظام جهانی» و نهادهایی که پروسه تسلیمی را مدیریت کردند، جلسه دایر می‌کنند، عمل کرد طالبان را نقد می‌نمایند و رنج‌های پر شمار ملت در بند ما را می‌شمارند.

تنها حسن این شمردن‌ها و توصیف‌ها کمک به جلوگیری از رسمیت امارت طالبانی است. اما در شرایطی که قدرت‌ها غیررسمی از آن امارت حمایت می‌کنند، مانع مقاومت جدی علیه آن می‌گردند و برای تداومش پول مصرف می‌نمایند، این جلسات و گزارش‌ها به حال دخترانی که از تعلیم مانده‌اند، زنانی که در خانه‌ها به زنجیر کشیده شده‌اند، مردانی که به سکوت و مهاجرت تحمیلی و بیکاری و گرسنه‌گی مجبور شده‌اند، چه سودی دارد؟ سازمان ملل و نهادهای جهانی مسوولیت دارند تا در دور کردن چنگال طالبان از گلوئی مردم افغانستان یاری رسانند و تنها مشغول گزارش‌دهی و پروپوزال‌نویسی برای افزایش مقدار کمک‌های بشری و پول پروژه‌های تسکینی نباشند.

## آغاز پنجاه‌وسومین نشست شورای حقوق بشر؛ بنت خواستار تلاش برای پایان محرومیت زنان افغانستان شد



**۸صبح، کابل:** گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد در آغاز نشست پنجاه‌وسومین جلسه شورای حقوق بشر این سازمان، خواستار تلاش برای پایان محرومیت دختران و زنان افغانستان از حقوق‌شان شده است.

ریچارد بنت، گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد این سخنان را روز دوشنبه، ۲۹ جوزا، در نشست شورای حقوق بشر بیان کرده است. او گفته است: «ضروری است که نگاه مان را دور نکنیم. ما باید تمام تلاش خود را برای مقابله با

محرومیت شدید از حقوق اساسی زنان و دختران در افغانستان و پایان دادن به آن انجام دهیم.» نشست شورای حقوق بشر در مورد وضعیت زنان افغانستان در جنوا در حال برگزاری است.

در این جلسه آقای بنت با گروه کاری مبارزه با تبعیض علیه زنان و دختران یافته‌های اخیر خود را به گوش جهان می‌رساند.

او در آخرین گزارش خود گفته بود که طالبان بیش از ۵۰ فرمان محدودکننده علیه زنان و دختران افغانستان صادر کرده‌اند.

در این گزارش، بنت با ۷۹ افغان به‌شمول ۶۷ زن در داخل و خارج از افغانستان از جمله مدافعان حقوق بشر، خبرنگاران، حقوق‌دانان، استادان دانشگاه، کارآفرینان، آموزگاران، دانشجویان، کارمندان خدمات اجتماعی و زنان تجارت‌پیشه گفت‌وگو کرده است.

هدر بار، مسوول بخش زنان دیده‌بان حقوق بشر نیز با نشر توییتی گفته که چگونه‌گی برخورد دولت‌ها در زمینه یافته‌های گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در مورد آپارتاید جنسیتی در افغانستان زیر تسلط طالبان بسیار مهم است.

## زنان معترض: جهانیان نباید به‌خاطر منافع موقت خویش از یک گروه تروریستی حمایت کنند



ارزش‌های انسانی را از مردم گرفته‌اند و معترضان را شکنجه و زندانی کرده و در مواردی نیز به قتل رسانده‌اند.

در نامه آمده است: «رژیم سرکوب‌گر، مستبد و تروریست طالبان، در نزدیک به دو سال گذشته، مرتکب انواع جنایت‌های بشری شده‌اند. آپارتاید جنیستی، جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی، کار روزمره این گروه در افغانستان است.»

به باور زنان معترض، گزارش ریچارد بنت، گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در مورد وضعیت حقوق بشری در افغانستان، تنها بخش کوچکی از جنایات بشری طالبان را بازتاب داده است.

آنان همچنان خواستار ایجاد کارشویه رسیده‌گی به حقوق زنان و دختران افغان از سوی شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد شده‌اند.

در همین حال، ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی عمومی طالبان، گزارش اخیر ریچارد بنت را بدور از حقیقت خوانده و آن را رد کرده است.

بنت در تازه‌ترین گزارشش که قرار است روز دوشنبه (۲۹ جوزا) در پنجاه‌وسومین نشست شورای حقوق بشر ارایه شود، گفته که در هیچ گوشه جهان، به مانند افغانستان حقوق زنان مورد حمله گسترده و نظام‌مند قرار نگرفته است.

رهایی زنان معترض زندانی، وارد کردن فشار بیشتر بر طالبان، عدم تقسیم طالبان به میانه‌رو و تندرو از خواست‌های دیگر زنان معترض افغانستان از جامعه جهانی است.

آنان خاطرنشان کرده‌اند که طالبان پس از تسلط دوباره‌شان بر افغانستان، آزادی‌های مدنی و

**۸صبح، کابل:** زنان معترض افغانستان گفتند که نهادهای بین‌المللی و کشورها با مسایل حقوق بشری در افغانستان براساس دیپلماسی و منافع زودگذر رفتار کرده‌اند.

آنان روز شنبه، ۲۷ جوزا، در نامه‌ای به شورای حقوق بشر نوشته‌اند که شماری زیادی از نهادهای بین‌المللی به حقایق جاری در افغانستان چشم بسته‌اند.

در نامه این نهاد آمده است: «جهانیان نباید به‌خاطر منافع مقطعی خویش از یک گروه تروریستی حمایت‌کنند و آنان را به یک نیروی سیاسی تقلیل دهند.»

زنان معترض افغانستان از شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، خواسته‌اند تا در کنار زنان افغان بایستند و بر مبنای ارزش‌های حقوق بشری، منشور سازمان ملل متحد، فشارهای بیش‌تر را بر طالبان وارد کنند.

آنان خاطرنشان کرده‌اند که طالبان پس از تسلط دوباره‌شان بر افغانستان، آزادی‌های مدنی و

## پنج تن در دورویداد ترافیکی در ولایت‌های تخار و کندز کشته شدند

در این رویداد دو تن از سرنشینان موتر نیز زخمی شده‌اند. در همین حال، در پی واژگونی یک موتر به دریای آمو در منطقه «سمتی» ولسوالی چاه‌آب تخار، دو تن جان باخته و سه تن دیگر زخمی شده‌اند. دلیل این رویدادها بی‌احتیاطی راننده‌گان و خرابی جاده‌ها عنوان شده است.

گفتنی است که در این اواخر وقوع رویدادهای ترافیکی در کشور افزایش یافته است. هفته پیش نیز دو تن در پی یک حادثه ترافیکی در ولایت بغلان جان باختند.

**۸صبح، کندز:** منابع محلی در ولایت‌های تخار و کندز می‌گویند که در دو رویداد جداگانه ترافیکی در این دو ولایت، پنج تن کشته و سه تن دیگر زخم برداشته‌اند.

به گفته منابع، در رویداد نخست بامداد یک‌شنبه، ۲۸ جوزا، سه تن پس از برخورد یک موترسایکل با موتر در روستای «شورکول» ولسوالی امام صاحب ولایت کندز جان باخته‌اند.

## تیراندازی افراد مسلح ناشناس بر اعضای یک خانواده جوزجان؛

## یک نوزاد ۴۰ روزه کشته و مادرش زخمی شد

**۸صبح، جوزجان:** منابع محلی در جوزجان از تیراندازی افراد مسلح ناشناس بر اعضای یک خانواده در این ولایت خبر می‌دهند.

منابع در صحبت با روزنامه ۸صبح، می‌گویند که حوالی ساعت ۱۰:۰۰ پس از چاشت روز دوشنبه، ۲۹ جوزا، افراد مسلح ناشناس بر منزلی در روستای «سه‌شنبه» از مربوطات شهر شبرغان مرکز این ولایت وارد شدند و بر اعضای این خانواده تیراندازی کرده‌اند.

به گفته منابع، در پی این رویداد یک نوزاد ۴۰ روز کشته و مادرش زخمی شده است.

منابع اضافه می‌کنند که افراد مسلح ناشناس پس از این رویداد توسط موترسایکل از ساحه فرار کردند.

مقام‌های محلی طالبان نیز وقوع این رویداد را تایید کرده‌اند.

تا کنون انگیزه این رویداد معلوم نیست.

این در حالیست که هفته گذشته نیز یک جوان از سوی افراد ناشناس در مربوطات شهر شبرغان، مرکز ولایت جوزجان به قتل رسیده بود.



## ۱۳ واقعه مشکوک آبله مرغان در پنجشیر ثبت شد

**۸صبح، پنجشیر:** مقام‌های محلی طالبان در ولایت پنجشیر، از ثبت دست‌کم ۱۳ واقعه مشکوک آبله مرغان در این ولایت خبر داده‌اند.

ریاست اطلاعات و فرهنگ تحت مدیریت طالبان در پنجشیر روز دوشنبه، ۲۹ جوزا، به نقل از غلام‌ایشان حماس، رییس معارف این گروه در رشته توییتی نوشته است که مبتلایان این ویروس، دانش‌آموزان یک مدرسه دینی هستند.

حماس اضافه کرده که ویروس آبله مرغان در مدرسه دینی نورآب‌دره ولسوالی عنابه پنجشیر شیوع کرده است.

وی اضافه کرده است که تیم صحتی ریاست صحت عامه پنجشیر برای جلوگیری از شیوع بیشتر این ویروس، مدرسه دینی را تعطیل کرده‌اند.

آبله مرغان یکی از ویروسی‌هایی است که در اثر عفونت با ویروس واریسلا زوسترا (VZV) به وجود می‌آید.

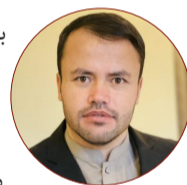
این بیماری ویروسی، بثورات پوستی ایجاد می‌کند که با تاول‌های کوچک، همراه با خارش شروع شده و در نهایت تبدیل به جوش می‌شود.



# اعمال محدودیت طالبان بر زنان بحران بشری را بدتر می کند



بانک جهانی به تازگی گزارشی را زیر نام «زنان، تجارت و قانون ۲۰۲۳» منتشر کرده است. این گزارش مجموعه‌ای از مطالعات سالانه این نهاد برای سنجش قوانین تاثیرگذار بر زنان است. گزارش بانک جهانی فرصت‌های اقتصادی در ۱۹۰ اقتصاد را بر اساس هشت شاخص حول محور تعامل زنان با قانون و پیشرفت آن‌ها به بررسی گرفته است. گزارش بانک جهانی «پویایی، کار، معاش، ازدواج، پدر و مادر شدن، کار آفرینی، دارایی و بازنشستگی» را از شاخص‌های تعامل زنان با قوانین کشورها خوانده است.



امیر کاوه

بانک جهانی در گزارشی سالانه زیر نام «زنان، تجارت و قانون ۲۰۲۳»، گفته که دستورهای ممانعت‌کننده طالبان، توانایی زنان برای یافتن

شغل را محدود کرده است. این بانک افزوده که زنان در حاکمیت طالبان، کمترین سهمی را در بخش‌های گوناگون زنده‌گی به‌ویژه در بخش اقتصادی ندارند. براساس گزارش بانک جهانی، طالبان با اعمال قوانین نانوشته، شکاف‌های جنسیتی را در کشور تشدید کرده‌اند. طالبان پس از سلطه بر افغانستان، ممنوعیت‌های گسترده‌ای علیه زنان وضع کرده‌اند. سیاست‌های محدودکننده این گروه، نیازهای بشردوستانه در افغانستان را افزایش داده و بحران انسانی را بدتر ساخته است. این گروه با دستورهای ممانعت‌کننده خود، هزاران زن را که در نهادهای دولتی و خصوصی کار می‌کردند، سبک‌دوش کرده و بر قطار بیکاران جامعه افزوده‌اند. با این حال، زنان در افغانستان می‌گویند که بیکاری نیازمندی‌هایشان به کمک‌های بشری را تشدید کرده است. آنان تصریح می‌کنند که اگر زنان نتوانند به شغل‌های مناسب دسترسی داشته باشند، بحران انسانی در افغانستان فاجعه‌آفرین خواهد شد.

بانک جهانی به تازگی گزارشی را زیر نام «زنان، تجارت و قانون ۲۰۲۳» منتشر کرده است. این گزارش مجموعه‌ای از مطالعات سالانه این نهاد برای سنجش قوانین تاثیرگذار بر زنان است. گزارش بانک جهانی فرصت‌های اقتصادی در ۱۹۰ اقتصاد را براساس هشت شاخص حول محور تعامل زنان با قانون و پیشرفت آن‌ها به بررسی گرفته است. گزارش بانک جهانی «پویایی، کار، معاش، ازدواج، پدر و مادر شدن، کار آفرینی، دارایی و بازنشستگی» را از شاخص‌های تعامل زنان با قوانین کشورها خوانده است.

بانک جهانی در این گزارش، افغانستان را در میان کشورهایی جا داده است که زنان در آن‌ها کمترین سهمی را در سیاست و اجتماع به‌ویژه در بخش اقتصادی ندارند. در این گزارش گفته شده که برگشت طالبان به قدرت و وضع محدودیت آن‌ها بر کار و آموزش زنان نه تنها در این کشور اثر منفی گذاشته، بلکه رفاه مردم به‌ویژه زنان و دختران را به شدت آسیب زده است.

بانک جهانی در این گزارش گفته که رژیم طالبان با صدور دستورهای ممانعت‌کننده خود، زنان را از دستیابی به شغل محروم ساخته است. در این گزارش آمده است که طالبان «هنمودها و احکامی را صادر کرده‌اند که آزادی حرکت و توانایی زنان برای یافتن شغل را محدود ساخته است. تغییر نظام هم بر اقتصاد کشور و هم بر رفاه مردم به‌ویژه زنان و دختران تاثیر منفی گذاشته است.» در این گزارش تصریح شده که با سلطه طالبان کارگران به شمول زنان شاغل در سازمان‌های غیردولتی، شغل‌شان را از دست داده‌اند و قوانین نانوشته طالبان، شکاف‌های جنسیتی را در این کشور تشدید کرده است.

گزارش بانک جهانی افزوده است: «یک اقتصاد زمانی پویاتر، قوی‌تر و انعطاف‌پذیرتر است که همه شهروندان - زن و مرد - به‌طور مساوی مشارکت کنند. وقتی قوانین، اختیار زنان را محدود می‌کند، از آن‌ها در برابر خشونت محافظت نمی‌تواند» و اقتصادرشد نمی‌کند. بانک جهانی در این گزارش تاکید کرده که برابری جنسیتی برای تقویت رفاه و پایان دادن به فقر شدید، ضروری است.

طالبان با برگشت به قدرت، سیاست‌های دور نخست حاکمیت خود علیه زنان را اعمال کرده‌اند. این گروه با صدور فرمان‌های متعدد، آزادی‌های مدنی و حقوق انسانی زنان را گرفته و آنان را از تمام حوزه‌های زنده‌گی جمعی حذف کرده‌اند. زنان و دختران در حال حاضر از حق آموزش بالاتر از صنف ششم، تحصیل، کار و آزادی رفت‌وآمد محروم‌اند. این گروه در نخستین روزهایی که بر

کابل مسلط شد، به کارکنان خدمات ملکی زن نیز دستور داد که در خانه بمانند و نزدیک به دو سال می‌شود که این زنان خانه‌نشین و اکثریت آن‌ها از کار منفع شده‌اند.

با این حال، شماری از زنان که پس از برگشت طالبان از کار سبک‌دوش شده‌اند، می‌گویند که بیکاری دوام‌دار و ممنوعیت‌های بی‌حدوحصر طالبان، آنان را با فقر و گرسنگی شدید مواجه ساخته است. شماری از این زنان در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گویند که بیکاری آن‌ها را به کمک‌های بشردوستانه سازمان ملل متحد و نهادهای خیریه داخلی نیازمند کرده است.

سحر شریفی (مستعار) یکی از دادستان‌های حکومت پیشین است. او در گفت‌وگو با روزنامه ۸صبح می‌گوید که ۱۹ ماه می‌شود از وظیفه سبک‌دوش شده است. این دادستان پیشین می‌افزاید که در حال حاضر با بیکاری و فقر شدید دست‌وپنجه نرم می‌کند و نیازمندی شدید به کمک‌های بشردوستانه پیدا کرده است. او می‌گوید که پیش از برگشت طالبان به قدرت زنده‌گی خوبی داشت و با بیکار شدن و دوام حاکمیت این گروه، امیدش را نسبت به آینده از دست داده است. این دادستان پیشین اضافه می‌کند که بیکاری او را ۱۰۰ درصد نیازمند کمک‌های بشردوستانه ساخته است.

همچنان ژولیا پارسی، یکی از کارمندان دولت پیشین است که حدود ۱۸ سال در بخش‌های مختلف دولتی، از جمله مدیریت اجرایی بود مشاوران شورای عالی مصالحه ملی پیشین، کار کرده است. او تاکید می‌کند که نزدیک به دو سال او و شوهرش بیکارند و بیکاری دوام‌دار نیازمندی آنان به کمک‌های بشردوستانه را افزایش داده است. پارسی اما توزیع کمک‌های بشردوستانه را ناعادلانه می‌خواند و مدعی است که این کمک‌ها به افراد مستحق نمی‌رسد. او می‌گوید: «بدبختانه کمک‌های بشردوستانه همه‌گی به حامیان طالب و گروه طالب داده می‌شود، نه به افراد نیازمند.»

افزون بر این، یکی از کارمندان برکنار شده دانشگاه هرات که نمی‌خواهد نامش در گزارش ذکر شود، می‌گوید که بیکاری دوام‌دار او را به‌طور شدید به کمک‌های بشردوستانه نیازمند ساخته است. او در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گوید که در زمان حکومت پیشین در بخش ترفیعات علمی استادان دانشگاه هرات کار می‌کرد. این کارمند پیشین دانشگاه هرات می‌افزاید که نان‌آور خانواده هفت‌نفری است و دو ماه بعد از برگشت طالبان به قدرت از کار سبک‌دوش شده است. این کارمند پیشین دانشگاه هرات می‌گوید که اگر به زنان کمک نشود، گرسنگی، ازدواج‌های اجباری، ازدواج‌های زیر سن و فروش دختران گسترش پیدا می‌کند.

شماری دیگر از زنان در گفت‌وگو با روزنامه ۸صبح تاکید می‌ورزند که اگر زنان نتوانند به وظایف‌شان برگردند و ممنوعیت‌های دست‌وپاگیر از سر راه برداشته نشود، بحران انسانی در افغانستان فاجعه‌آفرین خواهد شد. به گفته آنان هزاران زن که تنها نان‌آوران خانواده‌های خود هستند، با بیکاری دوام‌دار، مجبور به فروش فرزندان خود خواهند شد. این زنان تصریح می‌کنند که نهادهای کمک‌کننده باید زنان را در اولویت توزیع کمک‌های بشردوستانه قرار دهند.

این در حالی است که دفتر هماهنگی کمک‌های بشردوستانه سازمان ملل (اوپا) گفته است که حدود هشت میلیون نیازمند به دلیل کمبود بودجه در سال ۲۰۲۳، از دریافت کمک‌های عاجل در افغانستان محروم شده‌اند. این نهاد افزوده که شمار نیازمندان در افغانستان از ۲۸٫۳ میلیون تن به ۲۸٫۸ میلیون تن افزایش یافته است. پیش از این کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در گزارشی گفته است که شمار بیکاران در افغانستان در دو سال پسین به‌گونه چشم‌گیری افزایش یافته است. صلیب سرخ گفته است که نهادهای امدادرسان زمینه کار را برای شهروندان این کشور فراهم سازند.

## موضع چین در جنگ اوکراین

۶۶

**واقعیت امر این است که ظهور چین به‌مثابه قدرت نوظهور اقتصادی محصول مراوده با جهان غرب است. چین بیش از آن که با شرق غرق تجارت باشد، با غرب است. چین زمانی خیزش عظیم اقتصادی را تجربه کرد که سیاست «درهای باز» را پس از مرگ مانو تسه‌تونگ، بنیان‌گذار جمهوری خلق چین، به اجرا گذاشت؛ ورنه چون گذشته ممکن بود در منگنه فقر بی‌نفس بماند.**

شجاع‌الدین امینی

چین تا این دم در قبال جنگ اوکراین با حزم و احتیاط برخورد کرده است. نه از اوکراین حمایت کرده است و نه هم از روسیه به‌گونه روشن. اما آمریکا و اتحادیه اروپا به چین مشکوک هستند؛ مشکوک به این که ممکن است مخفیانه به روسیه تسلیحات ارسال کند. آنتونی بلینکن، وزیر خارجه آمریکا، در فبروری سال جاری مدعی شد که چین در پی برنامه‌ریزی برای ارسال اسلحه به روسیه است؛ ادعایی که درست از آب درنیامد. بعداً مقام‌های اتحادیه اروپا ابراز داشتند که خبر ارسال اسلحه از سوی چین به روسیه صحت ندارد و ابراز امیدواری کردند که چین در خط حمایت از روسیه راه نیفتد. در واکنش به این ادعا، بیجینگ کشورهای غربی را متهم به دمیدن به آتش جنگ کرد و خواستار توقف ارسال اسلحه به اوکراین از سوی آن‌ها شد.

چین به قطع‌نامه‌ای که در فبروری سال گذشته از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد در محکومیت تهاجم نظامی روسیه بر اوکراین صادر شد، رای ممتنع داد. این اقدام چین کشورهای غربی را بیش‌تر مشکوک کرد. لی‌ژانسو، رئیس پارلمان چین، در سپتامبر سال گذشته به روسیه سفر کرد و در دیدار با مقام‌های این کشور گفت که چین اقدامات روسیه را به‌خاطر حفاظت از منافعش درک می‌کند. شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین، نیز در مارچ سال جاری به مسکو سفر کرد و با مقام‌های روسی دیدارهای گرمی داشت. در یک‌ساله‌گی جنگ اوکراین، چین طرح صلح ۱۲ ماده‌ای خود را بیرون داد که مقبول نظر مقام‌های آمریکایی و اروپایی قرار نگرفت. این در حالی است که طرفین منازعه (روسیه و اوکراین) از این طرح استقبال کردند. به همین منظور، چین لی‌هوی، نماینده ویژه خود در امور آسیا، را به روسیه و اوکراین و برخی از کشورهای اروپایی فرستاد تا پیام صلح بیجینگ را به طرفین انتقال دهد.

با توجه به این پیش‌گفته، پرسش اصلی این است که آیا چین در جنگ اوکراین از روسیه حمایت می‌کند؟ به نظر می‌رسد که پاسخ به این پرسش، «خیر» باشد. در ذیل به دفاع از این پاسخ پرداخته می‌شود:

### ۱- اقتصاد چین وابسته به اقتصاد غرب است

واقعیت امر این است که ظهور چین به‌مثابه قدرت نوظهور اقتصادی محصول مراوده با جهان غرب است. چین بیش از آن که با شرق غرق تجارت باشد، با غرب است. چین زمانی خیزش عظیم اقتصادی را تجربه کرد که سیاست «درهای باز» را پس از مرگ مانو تسه‌تونگ، بنیان‌گذار جمهوری خلق چین، به اجرا گذاشت؛ ورنه چون گذشته ممکن بود در منگنه فقر بی‌نفس بماند. چین از دهه ۱۹۸۰ تا این دم با غرب مراوده تجاری داشته و کوشیده است آن را حفظ کند. این گونه نیست که چین به سطحی از

رونق اقتصادی دست یافته باشد که بی‌نیاز از غرب باشد. چنین ایده‌ای در حوزه اقتصاد و تجارت نه مطلوب است و نه ممکن. یک کشور زمانی می‌تواند رونق اقتصادی را تجربه کند که با سایر کشورها در دادوستد باشد نه این که با توهم خودکفایی گوشه‌دنجی برگزیند. اقتصاد به زغالی می‌ماند که با تازه‌کردن در مسیر رونق قرار می‌گیرد.

رونق اقتصادی چین نیز چنین است. چین البته با روسیه نیز مراوده تجاری دارد، ولی در سطح مراوده با جهان غرب نه. برای نمونه، براساس گزارش‌ها، حجم تجاری میان چین و آمریکا در سال ۲۰۱۳ معادل ۵۶۲ میلیارد دلار، میان چین و اتحادیه اروپا ۴۴۰ میلیارد یورو و میان چین و روسیه ۸۷ میلیارد دلار ارزیابی شده است.<sup>۱</sup> بدیهی است که چین با حمایت از روسیه در جنگ اوکراین نمی‌خواهد تجارت پررونق خود با جهان غرب را فدای تجارت کم‌رونق با روسیه کند؛ چون حمایت از روسیه به مراد تجاری چین با جهان غرب آسیب می‌زند.

نکته دیگر بر می‌گردد به شکل و ماهیت نظام سیاسی چین. چین به شهروندان خود دموکراسی و حقوق بشر برای عرضه ندارد. چیزی که توانسته است شهروندان چین را به حمایت از نظام سیاسی این کشور ترغیب کند، رونق اقتصادی است. می‌توان گفت که مشروعیت داخلی نظام سیاسی چین و همچنان ثبات و پایداری آن بسته به رونق اقتصادی آن است. اگر رونق اقتصادی چین نمی‌بود، چه شورش‌هایی ممکن بود برپا شود و ای بسا که مدیریت جمعیت عظیم آن کشور دشوار بود. اقتصاد چین به‌شدت وابسته به نظم بین‌المللی است و هر تغییر در نظم بین‌المللی آن را متاثر می‌سازد.

### ۲- چین می‌خواهد به‌مثابه قدرت صلح‌آفرین شناخته شود

رفتار جمهوری خلق چین نشان می‌دهد که این کشور ظاهراً از برقراری ثبات در نظم بین‌المللی حمایت می‌کند. در هر جایی که جنگ بوده، نقش پای چین کم‌تر دیده شده است. همچنان این کشور نسبت به سایر قدرت‌های بزرگ کم‌تر از جنگ‌های

**چین از دهه ۱۹۸۰ تا این دم با غرب مراوده تجاری داشته و کوشیده است آن را حفظ کند. این گونه نیست که چین به سطحی از رونق اقتصادی دست یافته باشد که بی‌نیاز از غرب باشد. چین ایده‌ای در حوزه اقتصاد و تجارت نه مطلوب است و نه ممکن. یک کشور زمانی می‌تواند رونق اقتصادی را تجربه کند که با سایر کشورها در دادوستد باشد نه این که با توهم خودکفایی گوشه‌دنجی برگزیند.**

نیابتی حمایت کرده است. حزم و احتیاط چین در این زمینه برمی‌گردد به دغدغه این کشور در خصوص رونق اقتصادی. چین جنگ و بی‌ثباتی را به زیان اقتصاد ارزیابی می‌کند. حتا در برابر تایوان که خط سرخ چین است و آن را جزء جدایی‌ناپذیر خاک خود می‌داند، به‌نحوی خواسته است انعطاف نشان دهد. مقام‌های آمریکایی چند بار به تایوان سفر کردند؛ اما چین به تهدید لفظی اکتفا کرد. این نشان می‌دهد که چین آرام و خاموشانه هدف خود را دنبال می‌کند نه با زورگویی و شاخ‌وشانه کشیدن. برای نمونه، عربستان سعودی و ایران هفت سال تمام در نبرد نیابتی علیه یکدیگر به‌سر می‌بردند. ریشه بی‌ثباتی خاور میانه از اختلافات میان این دو کشور آب می‌خورد. هیچ قدرتی نخواست یا هم نتوانست میان این دو کشور آشتی برقرار کند. ولی چین ناگهان وارد میدان شد و میان دو کشور پیمان دوستی به امضا رساند. گفته می‌شود که چین یک‌شبه به این دشمنی نقطه پایان نگذاشته است. بسیاری‌ها به این باورند که چین مدت‌ها خاموشانه برای آشتی میان ایران و عربستان تلاش کرده بی آن که سایر قدرت‌های بزرگ آگاه شوند. همچنان سفر چند روز قبل محمود عباس، رییس تشکیلات خودگردان فلسطین، به چین را در همین راستا می‌توان معنا کرد. گفته می‌شود، او از تلاش چین برای برقراری صلح میان فلسطین و اسرائیل با احتیاط استقبال می‌کند.

در یک‌ساله‌گی جنگ اوکراین، چین طرح صلح ۱۲ ماده‌ای خود را ارائه کرد که موافق طبع کشورهای غربی نیفتاد. چین در این جا می‌خواهد به دوستان روسیه و اوکراین نیز خاتمه دهد. البته این امر قدری دشوارتر است و رضایت کشورهای غربی به‌ویژه آمریکا را می‌طلبد. کشورهای غربی تا این دم به طرح صلح چین روی خوش نشان نداده‌اند؛ چون فکر می‌کنند که چین می‌خواهد حمایت خود از روسیه را با این طرح لا‌پوشانی کند. به نظر می‌سد بی‌باوری کشورهای غربی به طرح صلح چین متأثر از کش‌مکش‌های اخیر میان آمریکا و چین باشد. اگر سفر وزیر خارجه آمریکا به چین بتواند به تنش‌های لفظی میان دو کشور پایان دهد، ممکن است روی طرح صلح چین از نو دقت صورت گیرد.

البته کشورهای غربی در زمینه رسیده‌گی به بحران اوکراین نمی‌توانند بی‌نیاز از چین باشند. این کشورها، به همان پیمان که از حمایت چین از روسیه هراس دارند، به همان پیمان به موثریت نقش چین در زمینه پایان‌دادن به جنگ نیز باور دارند. برای نمونه، سفر رییس‌جمهور فرانسه در مارچ سال جاری به

چین را می‌توان در همین راستا معنا کرد. او از شی خواست تا پوتین را بر سر عقل بیاورد. به این معنا که کشورهای غربی به این باور هستند که گویا چین بر روسیه تسلط دارد. از دیگر سو، چین می‌خواهد با ورود در قامت میانجی انتقادات غرب و همچنان خطر تحریم‌های غرب علیه خود را برطرف سازد.

### ۳- چین به تمامیت ارضی اوکراین احترام می‌گذارد

چین ظاهراً از طرح صلحی که مناطق اشغال‌شده در اوکراین از سوی روسیه را به رسمیت بشناسد، حمایت نمی‌کند. برای نمونه، چندی قبل گزارشی از سوی روزنامه والس‌تریت ژورنال به نشر رسید که نماینده چین در دیدار با مقام‌های اروپایی گویا در مورد صلحی صحبت کرده باشد که براساس آن، مناطق اشغالی از سوی روسیه به‌رسمیت شناخته شوند. اما مائونینگ، سخنگوی وزارت خارجه چین، این ادعا را رد کرد و گفت: «خواستار احترام به تمامیت ارضی و حاکمیت اوکراین هستیم.»

همچنان بند اول طرح صلحی که از سوی چین ارائه شده است، به ضرورت احترام به حاکمیت، استقلال و تمامیت ارضی کشورها با استناد به منشور سازمان ملل متحد اشاره دارد. مزید بر این، چین به دلیل داشتن مشکلات مرزی با سایر کشورها از جمله هند، طعم تلخ نقض تمامیت ارضی را چشیده است. برای نمونه، چین تایوان را جزء جدایی‌ناپذیر خاک خود می‌داند و مداخله کشورهای غربی به‌ویژه آمریکا را در این خصوص نقض تمامیت ارضی خود معنا می‌کند. حالا، اگر بخواهد از تهاجم روسیه بر اوکراین دفاع کند، دقیقاً از نقض تمامیت ارضی اوکراین توسط روسیه حمایت کرده است که این نقض غرض به‌شمار می‌رود. چیزی که ادعاهای مقام‌های چینی را واقعی نشان نمی‌دهد این است که این کشور از محکومیت حمله نظامی روسیه بر اوکراین تا این دم پرهیز کرده است. همچنان از ارسال اسلحه به اوکراین از سوی کشورهای غربی و همچنان تحریم‌های یک‌جانبه از سوی آن‌ها علیه روسیه انتقاد کرده است.

عدم حمایت چین از روسیه به این معنا نیست که بیجینگ از شکست مسکو در برابر ناتو خرسند باشد. چین به پیمان روسیه از سیاست گسترش ناتو به شرق هراس دارد. چین می‌داند که اگر اوکراین، فنلند و سوئد به ناتو بپیوندند، تایوان جدی‌تر خواهد شد و تمایل بیش‌تری در جهت استقلال و افتادن به دامن غرب پیدا خواهد کرد. یا هم ممکن است چین از به درازا کشیدن جنگ اوکراین ناخرسند نباشد؛ چون توجه کشورهای غربی از چین دور و به سمت روسیه معطوف خواهد بود. پای چین زمانی ممکن است به سمت حمایت از روسیه بلغزد که رابطه‌اش با آمریکا بیش‌تر از حال، به سردی گراید. ورنه با توجه به آنچه در فوق تذکر رفت، نمی‌خواهد تجارت پررونق خود با غرب را فدای ماجراجویی‌های پوتین کند.

## نباید به امروز می‌رسیدم

تمناعارف

پس از روزها و ماه‌ها انتظار صدایش را می‌شنوم که می‌گوید: «من قشلاق برگشته‌ام، مشغول باغ و خانه. امروز دزدکی پیش مادرم آمدم، بهانه خوبی است که صدای تو را هم بشنوم، چه قدر دلتنگم.»

از کلثوم (اسم مستعار) می‌پرسم که زنده‌گی از کجا به بعد با تکان محکم و سنگینش روبه‌رویت کرد، به یاد داری برایم بازگو کنی؟ می‌گوید: «به پدرم گلوله غیبی خورد. او وقتی در سر زمین‌ها کار می‌کرد، جنگ شدیدی میان نیروهای امنیتی دولت قبلی و طالبان درگرفت. من پدرم را در آن جنگ از دست دادم. پدرم دهقان و آدمی بی‌طرف بود، طعمه جنگ شد.» آن زمان کلثوم صنف یازدهم مکتب بود. او در خانواده‌ای قیدگیر و سنتی متولد شده بود و تنها شانسش که از روزگار آورده بود، این بود که یگانه لپسه دخترانه در قشلاق بالایی موقعیت داشت و او توانسته بود قدری بیشتر علیه دخترستیزی‌های جامعه تاب بیاورد و با قبول هر منتی از مکتب خواندن باز نایستد. «اوایل در سراسر قشلاق مکتب رفتن ما (دختران) را ننگین می‌دانستند. هر کسی که دخترش را بیشتر محدود می‌کرد، در قشلاق باناموس‌تر شناخته می‌شد، ولی این خرافه در مرور زمان کمی کم‌رنگ شد. مکتب را تا متوسطه در قشلاق خودمان خواندم، ولی همه دختران از قشلاق‌های چهارطرف باید برای فراگرفتن لپسه به قشلاق بالایی می‌رفتیم.» بعد از کشته شدن پدرش، او با مادر و برادران کوچک‌تر از خود تنها سرپرست و نان‌آور زحمت‌کش خانه را از دست می‌دهند. شرایط برای‌شان تلخ‌تر می‌شود. کلثوم می‌گوید: «عاید مالی منظم نداشتیم. از زراعت و مالدارنی نیازهای خانه را تأمین می‌کردیم، آن هم همیشه نمی‌رسید.» کلثوم در امتحان کانکور به دانشکده جامعه‌شناسی دانشگاه تعلیم و تربیه استاد ربانی در کابل کامیاب می‌شود، کیلومترها دور از زادگاهش کندز. مخالفان و تصمیم‌گیران بی‌شماری برای سرنوشتش پیدا می‌شوند؛ کاکاها، ماما و سرسخت‌تر از همه مرتضا (مستعار) و خانواده‌اش. پدر مرتضا رفیق صمیمی پدر کلثوم بوده است و هر دو باهم شرط‌بندی کرده بودند که فرزند هر که دختر بود، به پسر دیگری به زنی داده شود. آن چه کلثوم تا سرحد کشته شدنش هم با آن موافق نیست. «وقتی در امتحان کامیاب شدم، بسیار خوشحال بودم. بالاخره به چیزی که دوست داشتم، یک قدم نزدیک شده بودم. آن وقت حس بدی داشتم. هیچ حامی‌ای پشتم ایستاد نبود که از حق تحصیلم در مقابل حلقه سخت‌گیر خویشاوندان حمایت کند. هویت مادرم با برساخت‌های ناموس و بیوه پیوست شده بود و نمی‌توانست چیزی بگوید. آن شرط‌بندی پدرم که حتا قبل از تولدم تعیین کرده بود مال چه کسی باشم و حالا کسی مالکانه درباره‌ام گپ می‌زد، بیشتر مغز سرم را می‌خورد. من به خودکشی راضی بودم، نه به آن شرط بی‌بنیاد و ناخواسته. به مادرم قسم خوردم، عذر و زاری کردم که کار می‌کنم و خود ما بر پای خود ایستاد می‌شویم، باید به کابل برویم، هر طوری شده برویم، من کار می‌کنم و امور خانه را پیش می‌برم. تا این که او راضی شد. همه مال و مواشی را فروختیم، پنهان از همه‌گی به کابل کوچ کردیم.» کلثوم و خانواده‌اش در تهیه‌مسکن کابل ساکن بلاک دواناقه می‌شوند، در هجوم تهدید

حالا دیگر فرصت به خانواده مرتضا دست داده است. آن‌ها ناموس‌شان را در چندقدمی یافته‌اند با خواستگاری و تهدید به حل کار از طریق دستگاه حاکم، پی گرفتن کلثوم می‌آیند...



و طعنه اقارب و خویشاوندان و تحت تعقیب مرتضا و خانواده‌اش که باور دارند ناموس و حیثیت‌شان بر باد رفته است. مادرش نیز که فکر می‌کند با موافقت به تصمیم دخترش آبرو و عزت‌شان آتش گرفته است، بر کلثوم خشمگین است. می‌گوید: «هفتادوسه هزار افغانی کل دارایی ما بود. در چهار ماه اول مهاجرت به کابل همه خرج شد و کار نیافته بودم. هیچ‌کس را نداشتیم. اقارب ما از ما بریده بودند. مرتضا و فامیلش از ما دست‌بردار نبودند. یک بار تلاش کردند از پیش دروازه دانشگاه اختطافم کنند، گاردهای دانشگاه مانع شدند. پولیس خبر شد و نجات یافتیم. مادرم می‌گفت بسوزی دخترت، تباہ شدیم تباہ.» او می‌گوید در نزدیکی خانه‌شان در یک مکتب خصوصی کار پیدا کرده بود و هفت هزار افغانی معاش در ماه مصارف بخورونمیر می‌شد و دلش را برای ادامه دادن پر می‌کرد: «در همسایگی بلاک ما یک زن مهربان از نجراب کاپیسا بود. او معلمی می‌کرد. هر از گاهی برای ما نان می‌فرستاد و گاهی به خاطر دل‌پری دادن مادرم به خانه ما می‌آمد. آن زن خوب مرا هم شامل معلمی کرد. از ۶:۰۰ صبح تا ساعت ۱۳:۳۰ درس می‌دادم. فقط کمی از تلخی زنده‌گی کاسته شده بود.» کلثوم در راه دشوار دانشجویی با همه کیف‌وکانش گام گذاشت. خطر کرد، تلخ کامی به جان خرید، ادامه داد و از پا نایستاد: «دوره لیسانس را با پمپودن سختی‌ها ولی اشتیاق بسیار پشت سر گذاشتم. برایم فهمیدن این که جامعه‌شناسی ضمانت شغلی ندارد و نان از پیش نمی‌آید، آسان بود؛ ولی به آن علاقه داشتم، به شناخت جوامع، بحران‌های‌شان، ریشه‌های مصیبت و رنج‌شان و راه‌حل‌های‌شان تا روزی به نفع جامعه خود ما از آن استفاده بتوانم. معلمی هم شغل خوشایندی بود. از راه آن نان‌آور خانواده پنج‌نفری‌ام شدم. اتاقم را به کتابخانه کوچکی تبدیل کردم که در آن همه رنج‌هایم را از خود می‌تکاندم. برای امتحان ماستری آماده‌گی می‌گرفتم.»

با سقوط کشور به دست طالبان، وضع محدودیت‌های سنگین بر زنان و بسته شدن مکاتب که چرخه زنده‌گی‌های زیادی را می‌چرخاند، کلثوم نیز کارش را از دست می‌دهد و دستش به پیش‌برد روزگار یاری نمی‌کند. کتاب‌هایش آخرین دارایی است. آن‌ها را به قیمت ناچیزی می‌فروشد و کرایه موتور بارکشی را می‌پردازد تا کوچ‌شان را به کندز ببرد؛ جایی که روزی مواشی‌شان را فروخته بود و همه را خرج آرزوهایش کرده بود: «هر روز که در فضای مکتب یا میان دوستانم می‌بودم، پریشانی در سیمای همه‌گی مشاهده می‌شد؛ اما حس نمی‌کردم که همه‌چیز به پایان برسد. با خود می‌گفتم نیروهای دفاعی و امنیتی ما هستند، رییس جمهور ما با بزرگان برای دفاع از افغانستان مشورت دارند و نخواهد دستاوردهای ما نابود شود. تا این که روزی از طرف سرای شمالی در سرک بادام‌باغ و سرک مارکیت رنج‌ها و موت‌های نظامیان سراسیمه

## واژگون شدن قایق پناهجویان در یونان؛

### سفارت افغانستان در ایتالیا: شماری از قربانیان افغان بودند

۸صبح، کابل: سفارت افغانستان در ایتالیا گفته است که در رویداد واژگون شدن قایق حامل پناهجویان در سواحل یونان، شماری از شهروندان افغانستان نیز جان باخته‌اند.

سفارت افغانستان در ایتالیا این موضوع را روز دوشنبه، ۲۹ جوزا، با نشر اعلامیه‌ای در بر گه فیس‌بوکش نوشته است.

این سفارت از اتحادیه اروپا، سازمان ملل و دولت یونان به‌دلیل رسیده‌گی و درمان ۱۰۴ پناهجوی نجات‌یافته از این رویداد قدردانی کرده است.

در اعلامیه از مقام‌های یونانی مبنی بر اعلام سه روز عزای عمومی در این کشور و از کیریاکوس میتسوتاکیس، نخست‌وزیر و الکسس سیپراس، رهبر مخالفان بابت تعویق کارزارهای انتخاباتی نیز سپاس‌گزاری شده است. در مورد شمار دقیق پناهجویان افغانستان جزئیات ارایه نشده است.

این سفارت از شهروندان کشور تقاضا کرده است که به قاچاق‌بران انسان اعتماد نکرده و جان خود را در راه‌های غیرقانونی به خطر نیندازند.

این در حالی است که روز چهارشنبه هفته گذشته، مقام‌های یونانی اعلام کردند که در اثر واژگون شدن قایق حامل پناهجویان در آب‌های جنوب‌غربی، دست‌کم ۷۸ تن غرق شدند.

به گفته مقام‌های یونانی، در جریان یک عملیات گسترده، ۱۰۴ پناهجو توسط امدادگران نجات داده شدند و شماری از مهاجران ناپدید هستند.

یونان یکی از کشورهای عمده ورودی مهاجران به اتحادیه اروپا به شمار می‌رود.

از آغاز سال تا کنون، حدود ۷۲ هزار مهاجر وارد کشورهای سواحل اروپا یعنی ایتالیا، اسپانیا، یونان، مالتا و قبرس شده‌اند.

شهباز شریف، نخست‌وزیر پاکستان نیز به‌دلیل جان‌باختن شماری از شهروندان کشورش در نتیجه واژگون شدن قایق حامل پناهجویان در آب‌های یونان، به مدت یک روز عزای عمومی اعلام کرد.

## نماینده ایران به طالبان: برای

### تکمیل راه آهن خواف - هرات همکاری می‌کنیم

۸صبح، کابل: نماینده رییس جمهور ایران در امور افغانستان با رییس اداره راه آهن طالبان، در مورد افزایش همکاری در بخش راه آهن خواف - هرات گفت‌وگو کرده است.

سفارت ایران روز دوشنبه، ۲۹ جوزا، در تویییتی نوشته است که کاظمی قمی در دیدارش با بخت‌الرحمن شرافت، رییس اداره خط آهن طالبان، در مورد افزایش همکاری‌های ریلی با افغانستان اعلام آماده‌گی کرده است.

قمی همچنان گفته است که کشورش در بخش تکمیل راه آهن خواف - هرات، آماده همکاری با افغانستان است.

این سفارت افزوده است: «در مورد افزایش همکاری‌های ریلی شامل بهره‌برداری از راه آهن خواف - هرات، تکمیل و ادامه مسیر و همکاری‌های آموزشی، فنی و تجهیزاتی تبادل نظر به‌عمل آمد.»

گفتنی است که پس از طرح ساخت راه آهن خواف - هرات در سال ۱۳۸۶، کار عملی این پروژه در سال ۱۳۹۹ آغاز شد.

این مسیر، ۲۲۵ کیلومتر طول دارد که ۷۷ کیلومتر آن در خاک ایران و ۱۴۹ کیلومتر دیگر آن در خاک افغانستان واقع شده است.

فرار داشتند. لباس‌های‌شان را در کوچه‌ها تبدیل می‌کردند. طالبان تا شام آن روز همه‌جا حاکم شدند. وطن سقوط کرد. سه ماه را با سختی و مشکل در کابل سپری کردیم، اما دیگر نمی‌شد. با اشک و بغض کتاب‌هایم را که آخرین دارایی‌هایم بود، به کتاب‌فروشی تحویل دادم و پول آن را خرج کوچ‌کشی به کندز کردیم.»

دل‌داری دادن دیگر برایش سودی ندارد. نمی‌تواند حجم این بغض تلخ را در حافظه‌اش هضم کند. می‌گوید بیست سال نبرد سخت‌سرنه‌اش مساوی به هیچ شد. او با برگشتن به روستا، راهی جز تسلیم شدن به اقتضای زمان را به خود ممکن نمی‌بیند: «وقتی که آمدیم، رفتار همه اقارب با ما خشن بود. به باورشان ما فرار کردیم و سبب بی‌آبرویی و بینی‌بریده‌گی قوم شدیم و دیگر قابل بخشش نیستیم. راستش را بگویم، دیگر حوصله جنگیدن نیست. فکر می‌کنم همه دروازه‌ها بسته شده است. جنگ همه‌چیز را با خودش ختم کرد و به مرگ محتاجیم.»

حالا دیگر فرصت به خانواده مرتضا دست داده است. آن‌ها ناموس‌شان را در چندقدمی یافته‌اند با خواستگاری و تهدید به حل کار از طریق دستگاه حاکم، پی گرفتن کلثوم می‌آیند. دست‌بردار نیستند، زیرا همه مردم قریه می‌دانند که کلثوم را پدرش به مرتضا داده بود و اگر از او دست بردارند، از ناموس‌شان دست کشیده‌اند: «لبان مادرم خشک می‌شد، رنگش زرد و پشت خالی‌اش را حس می‌توانستم. او نه به منی که می‌دانست با این موضوع ساده کنار نمی‌آیم، چیزی می‌گفت و نه علیه آن‌ها که با زور حکومت طالبانی تهدید می‌کردند، مقاومت می‌توانست. میان دو سنگ آرد بود. خود مرتضا در ایران کارگری می‌کرد. مکتب را ناتمام رها کرده بود و هیچ مساله‌ای در زنده‌گی نداشته است. آه، از دست پدر، از سنت زشت اجتماع و از تاریکی سرنوشت ما. به مادرم گفتم که رنگت را زرد نینم، مرا به آن‌ها بسپار، ما ایستاده مرده‌ایم. آن‌ها شیرینی را بردند. موفق شدند ناموس‌شان را صاحب شوند.»

حالا کلثوم از کتاب و جامعه نمی‌گوید. از گذشته و روزهایی که سرشار بود و برای خانه‌گگ آرزوهایش نفس‌گیر می‌دوید، می‌گوید: «عروسی ما را [برگزار] کردند. به رسم وطنی چند روز اول عروس بودم و حالا دوشادوش او به کشت و کار و مالدارنی می‌رسم. از این کنج تاریک هیچ چیزی دیگر جذابیت ندارد. حتا معمولی هم نیست. آن‌همه سال زجر و مشقت برای به این روز نرسیدن بود، نه برای به این روز رسیدن.»

با شنیدن هر تکه از صداهايش، موجی از حس ناخوش و دلگیرکننده قلب آدم را جریحه‌دار می‌سازد. دختر این جامعه کل آرزویش یک زنده‌گی معمولی بود؛ چیزی که ازش دردمندانه دریغ شده است. کلثوم هویت مشترک زانی است که دویدند و فرصت رسیدن از کف‌شان ربوده شد.



## جمعیت افغانستان، از برخورد سیاسی تا بحران آینده

سیدجواد رامیار

**اعداد جمعیتی بیشتر از آن که ابزاری در جهت سیاست‌های قومی، زبانی و مذهبی باشد، واقعیت‌هایی است که در صورت نادیده گرفتن و یا سوءمدیریت در قبال آن‌ها می‌تواند فاجعه انسانی را رقم بزند. افغانستان یکی از جوامعی است که با در نظر داشت ویژگی‌های جغرافیایی، هم‌اکنون دچار یک تورم جمعیتی است.**

تصویب رسید. بعد از آن نیز حکومت اشرف غنی در راستای سیاست‌های قومی حاکم در ارگ ریاست جمهوری و با استفاده از ترفندهای اداری، اقدام به تجزیه اقوام غیربشتون به گروه‌ها و شاخه‌های متعدد کرد تا این‌گونه آمارها و نمودارها را به نفع سیاست‌های برتری طلبانه قومی جهت دهد.

به هر حال، اعداد جمعیتی بیشتر از آن که ابزاری در جهت سیاست‌های قومی، زبانی و مذهبی باشد، واقعیت‌هایی است که در صورت نادیده گرفتن و یا سوءمدیریت در قبال آن‌ها می‌تواند فاجعه انسانی را رقم بزند. افغانستان یکی از جوامعی است که با در نظر داشت ویژگی‌های جغرافیایی، هم‌اکنون دچار یک تورم جمعیتی است و براساس داده‌های موجود، تغییرات در منابع جمعیتی روز به روز گسترده‌تر می‌شود و با توجه به وضعیت سیاسی - اجتماعی گذشته و حال، شرایط در این کشور به سمتی در حرکت است که پیش‌بینی وضعیت آینده دور از دسترس نیست.

نگاهی به مراجع ثبت داده‌های تخمینی جمعیت افغانستان نشان می‌دهد که جمعیت این کشور در طی بیست سال منتهی به ۲۰۲۱ بیشتر از دو برابر شده است. آمار بانک جهانی نشان می‌دهد که جمعیت این کشور در سال ۲۰۲۱ از مرز چهار میلیون تن گذشته است. در حالی که این آمار در سال ۲۰۰۰ تقریباً نوزده و نیم میلیون و میانگین رشد جمعیت در یک دهه اخیر ۳/۲ درصد بوده است. این عدد به اندازه یک درصد از سطح استانداردهای علم جمعیت‌شناسی بیشتر است. پدیده‌هایی مانند افزایش دسترسی به خدمات بهداشتی و به تبع آن افزایش امید به زندگی و کاهش نرخ همه انواع مرگ‌ومیر، از اصلی‌ترین دلایل افزایش جمعیت در افغانستان است. به‌گونه‌ای که در یک دهه اخیر میانگین امید به زندگی مردم حدود هفت سال افزایش یافته است.

اما در روی دیگر سکه، وضعیت اقتصادی افغانستان بار دیگر حکایت از نابه‌سامانی گسترده و عمیق دارد. به نحوی که میزان تولید

اگر بگوییم داده‌های جمعیتی مهم‌ترین و حساس‌ترین مرجع سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در همه عرصه‌های سیاسی - اجتماعی یک کشور است، هیچ مبالغه‌ای در این زمینه صورت نگرفته است. در مقام مقایسه، جمعیت برای سیاست‌گذاران، همانند پول برای اقتصاددانان است. پول (حجم نقدینه‌گی) در معادلات اقتصادی نقش بسیار حساسی دارد؛ به‌گونه‌ای که هر نوع نوسان در مقدار پول، ارزش و جایگاه آن را مشخص می‌کند. به همین دلیل، یکی از وظایف اصلی بانک‌های مرکزی، نظارت مستمر بر میزان نقدینه‌گی و جلوگیری از کاهش و یا افزایش بی‌رویه آن در اقتصاد یک کشور است. عین همین موضوع در مورد جمعیت نیز صادق است. در همه جوامع توسعه‌یافته و همچنین در سطح جهانی - مانند بخش توسعه انسانی سازمان ملل - مراکز و مراجع مشخصی وجود دارند که داده‌های جمعیتی را پیوسته نظارت کرده و برای هر نوع نوسانات جمعیتی، برنامه‌ریزی و اقدام می‌کنند؛ برنامه‌هایی مانند چگونه‌گی کاهش یا افزایش نرخ باروری، افزایش امید به زندگی، کاهش مرگ‌ومیر کودکان، مادران و یا تعیین سیاست‌های مهاجرتی برای پذیرش یا عدم پذیرش مهاجر. دلیل آن نیز کاملاً روشن است. امروزه جمعیت به یکی از فاکتورهای مهم قدرت بدل شده است. البته چگونه‌گی استفاده از این فاکتور نیز بسته‌گی به عوامل متعددی دارد. چنانچه هستند کشورهایی که از منابع طبیعی سرشار و بی‌حدوخصر خود به دلایل متعدد نمی‌توانند استفاده کنند. همان‌گونه هستند جوامعی که توان مدیریت نیروی انسانی خود را ندارند. با این تفاوت که وفور منابع طبیعی به خودی خود نمی‌تواند آسیب‌زا باشد، اما وفور منابع انسانی این توانایی را دارد که خود به‌تنهایی عامل نابه‌سامانی شود.

در مورد افغانستان هیچ داده و اطلاعات جمعیتی قابل اتکا و معتبری وجود ندارد. از آخرین سرشماری نفوس و جمعیت این کشور حدود نیم قرن می‌گذرد و پس از آن به دلایلی مانند جنگ، نبود زیرساخت‌ها و همچنین دلایل سیاسی هیچ‌گاه سرشماری انجام نشده است. حداقل در یک مورد، در سال‌های حکومت حامد کرزی، جامعه جهانی حاضر بود تا هزینه انجام سرشماری نفوس به شیوه علمی را پرداخت کند؛ اما سیاست‌مداران وقت به دلایل سیاسی و ترس از شکسته شدن کلیشه‌های قومی حاکم بر داده‌های جمعیتی و حفظ توهمات حاکم بر اعداد و ارقام نفوس افغانستان، از انجام سرشماری شانه خالی کردند. پس از آن نیز در سال‌های اخیر موضوع سرشماری جمعیت در افغانستان چنان سیاسی شد که پیش‌نویس قانون توزیع شناسنامه‌های الکترونیکی سال‌ها در پارلمان مورد مناقشه بود. و در نهایت بعد از جنجال‌های فراوان بر سر مسایل قومی، به

و منابع آبی رو به کاهش، طی یکی دو دهه آینده وارد مرحله‌ای خواهد شد که فکر کردن به آن نیز انسان را دچار وحشت می‌کند. قسمتی از این وضعیت، یک امر جهانی است. تغییرات محیط زیستی تقریباً دامن همه دنیا را گرفته است. با این تفاوت که در بسیاری از کشورها، مدیران سیاسی - اجتماعی به اندازه‌ای فهم و دانش مدیریتی دارند که برای آن نگران بوده و برنامه‌ریزی کنند. اما افغانستان در وضعیتی قرار دارد که تقریباً همه سازمان‌های جهانی نیز در کار آن وا مانده‌اند. جدا از این که باید برای نابه‌سامانی‌های سیاسی و دوام‌دار این کشور چاره‌ای پیدا کنند، وضعیت فقر مطلق نیز نیاز به درمان آتی دارد. اما وضعیت رشد بی‌رویه جمعیت، داستان بسیار متفاوتی دارد که تقریباً از دست هیچ کسی کاری ساخته نیست. حتا در ۲۰ سال حضور جامعه جهانی و کمک‌های گسترده مالی به افغانستان، یکی از دلایل تاثیر کم این کمک‌ها افزایش بی‌رویه جمعیت به تناسب رشد اقتصادی بوده است. مساله افزایش جمعیت و نرخ زادوولد در افغانستان تا حد زیادی ناشی از بی‌سوادی گسترده و همچنین دلایل اعتقادی جامعه است. مردمی که به دلایل اعتقادی بارور می‌شوند و در نهایت همه امور زنده‌گی خود و فرزندگی که بعداً قرار است پا به عرصه دنیا بگذارد را به امور اعتقادی فرافکنی می‌کنند را به مشکل می‌توان قانع کرد. بسیار دشوار است آگاهی دادن در زمینه برنامه‌ریزی و جلوگیری از فرزندآوری و کاهش تعداد خانوار برای مردمی که تمام فلسفه وجودی فرزند را در گرفتن «پایه تابوت» خلاصه می‌کنند و یا معتقدند که «هر کس که دندان دهد، نان دهد». موضوع از آن‌جایی دشوارتر می‌شود که افرادی که امروزه مدیریت امور جامعه را دارند نیز متفاوت‌تر از عوام جامعه فکر نمی‌کنند. مساله رشد جمعیت در سال‌های نه‌چندان دور به یک ابربحران در افغانستان تبدیل خواهد شد. چرخه «فقر مطلق» که این کشور به‌صورت تاریخی در آن گرفتار است را تشدید کرده و فقر که خود علت‌العلل مسایل افغانستان است، پابرجا خواهد ماند. و به تبع آن، سایر مسایل اجتماعی نیز در حول همان محور خواهد چرخید.

مساله از جایی وحشتناک‌تر می‌شود که حاکمان فعلی با مسدود کردن راه آموزش بر زنان، بی‌سوادی که خود از مهم‌ترین عوامل افزایش جمعیت است را تشدید و فعالیت زنان در موسسات کمک‌رسان را منع کرده‌اند. آنان با این کار، راه هر گونه ارایه خدمات آموزشی، به‌ویژه آموزش‌های لازم برای کنترل جمعیت را سد کرده‌اند.

ناخالص داخلی در دو سال اخیر بیشتر از چهل درصد کاهش یافته است. میانگین تولید ناخالص داخلی در یک دهه اخیر حدود ۶۶۳ میلیون دالر بوده است. در حالی که این عدد در سال ۲۰۲۱ به ۳۶۳ میلیون دالر کاهش یافته است. این یعنی آمار مربوط به نرخ بیکاری و فقر روز به روز روند صعودی خود را طی و حفظ کرده است. نرخ فقر که در سال‌های آخر دهه اول قرن بیست و یکم به دلیل حجم وسیع کمک‌های خارجی کاهش چشم‌گیری پیدا کرده بود، با کاهش تدریجی کمک‌ها دوباره افزایش یافت. به نحوی که آمار نشان می‌دهد، بیشتر از ۵۴ درصد شهروندان افغانستان در سال ۲۰۱۶ زیر خط فقر زنده‌گی می‌کردند. این در حالی است که این عدد در سال ۲۰۰۷ حدود ۳۳ درصد بوده است. شرایط امروزی جامعه افغانستان پس از روی کار آمدن طالبان نیز به‌گونه‌ای است که طبق آمار بخش توسعه سازمان ملل، بیش از ۹۰ درصد شهروندان افغانستان در امتداد خط فقر زنده‌گی خود را طی کرده و هر آن در معرض خطر سقوط به زیر خط فقر قرار دارند.

این آمار را بگذارید در کنار داده‌های مربوط به میزان بارنده‌گی و حجم منابع آبی. افغانستان به‌صورت تاریخی همواره دچار یک چرخه خشک‌سالی بوده است. حالا نیز با تاثیر از وضعیت تغییرات جهانی اقلیمی به آن چرخه گرفتار شده است. حداقل نیمی از افغانستان دچار خشک‌سالی و کم‌آبی بوده و براساس برآوردها، این وضعیت طی سال‌های آتی بحرانی‌تر نیز خواهد شد. به‌گونه‌ای که به باور بعضی از کارشناسان، قسمت وسیعی از خاور میانه از جمله قسمت‌هایی از افغانستان در چند دهه آینده قابلیت زیست خود را از دست خواهد داد.

تفسیر این داده‌ها بسیار آسان است. افغانستان در بهترین حالت ممکن، در صورتی که دیگر جنگی نباشد و نظامی روی کار آید که اهل برنامه و برنامه‌ریزی باشد، باز هم طی سال‌های آینده ظرفیت فراهم کردن حداقل‌های زنده‌گی برای شهروندان فعلی خود را ندارد.

جمعیت در حال افزایش است و منابع در حال کاهش. نبود چشم‌انداز سیاسی روشن و قرار گرفتن امور جامعه در دست افرادی که از ابتدایی‌ترین میزان دانش و سواد بی‌بهره هستند، خبر از بحرانی می‌دهد که بسیار عمیق‌تر و پیچیده‌تر از بحران‌های چند دهه اخیر خواهد بود. بحران‌های ناشی از عوامل انسانی و محیط زیستی با هیچ کنفرانس و مذاکره و دادوستدهای سیاسی به‌صورت آتی و یا حتا کوتاه‌مدت قابل حل نیستند. افغانستان با جمعیت رو به افزایش

# مضامین عصری در مدارس جهادی

طالبان بازی‌های مختلفی راه انداخته‌اند. یکی از این بازی‌ها، بازی طالب خوب و طالب بد است. تعدادی از طالبان کابل‌نشین، از جمله مولوی عبدالکبیر، ملا یعقوب، سراج‌الدین حقانی و چند چهره معدود دیگر تلاش می‌کنند روایت «طالب تغییر یافته» را همچنان زنده نگه دارند و از خود شخصیت منعطف‌تر و تا حدی مدرن نشان دهند. اعضای این حلقه سعی می‌کنند خود را از ملا هبت‌الله و حلقه‌اش متفاوت‌تر نشان دهند و به نحو غیرمستقیم اعلام کنند که با سیاست‌های بسته و خلاف آموزش او مخالف‌اند.



محمدعلی نظری

ادارات دولتی توسط طالبان به اجرا درخواهد آمد. طالبان با آموزش عصری به صورت یک بسته کامل مشکل ندارند. آن‌ها برخی از مضامین عصری را مشکل‌زا می‌دانند که به راستی می‌تواند بقای تفکر طالبانی را تهدید کند. این گروه مضامین عصری را به تجربی-ساینسی و اجتماعی دسته‌بندی می‌کند. با آن چه مضامین تجربی-ساینسی گفته می‌شود، مخالفتی ندارد. آن‌ها با انجنیر و داکتری که سربزه‌زیر و فرمان‌بر باشند، نه تنها مشکلی ندارند، بلکه وجود آن‌ها را ضروری می‌دانند. آن‌ها شیخ‌نشین‌های عرب حوزه خلیج را الگوی حکومت‌داری خود می‌بینند که در آن‌ها پول، توسعه شهرها، صنعت و بازرگانی است، اما آزادی و تفکر انتقادی نیست. حال اگر انجنیر و داکتر از مسیر «مدارس جهادی» وارد دانشگاه شده و در آن‌جا هم با تفکر طالبانی و ۲۴ کریدت ثقافت اسلامی با خوانش طالبانی تربیت شوند، همان نیروهای تخنیک‌سربزه‌زیر با طرز فکر طالبان خواهند شد که روزی اگر نیاز باشد، کلاشنیکوف به دست بگیرند یا واسکت انتحاری بپوشند، اما هیچ‌گانه به تغییر وضعیت نپسندند و انتقاد نکنند. بنابراین، وقتی مولوی عبدالکبیر می‌گوید: «علاوه بر دروس دینی در نصاب مدارس متذکره [جهادی]، علوم عصری نیز اضافه شود تا فارغ‌التحصیلان مدارس جهادی توانایی کار در ادارات را داشته باشند» منظورش مضامین فلسفه و تاریخ و ادبیات نیست. منطق و سیاست و جامعه‌شناسی هم هدف مولوی عبدالکبیر نیست. مضامینی که فکر کردن را تشویق می‌کند و در آن‌ها از آزادی، حقوق انسانی، مکلفیت‌های حکومت‌داری، مولفه‌های حکومت‌داری، چگونه‌گی روابط بین حکومت و مردم یا روابط بین مردم و مردم و باقی مسایل مهم اجتماعی بحث شود، در نصاب طالبانی جایی ندارد. طالبان نیروهای تخنیک‌بی‌زبان و فرمان‌بر می‌خواهند که بتوانند پل و سرک و ساختمان بسازند یا اگر لازم شد ویران کنند، اما نپرسند که چرا می‌سازند یا به چه دلیل ویران می‌کنند.

تدریس مضامین عصری (تجربی-ساینسی) در مدارس جهادی طالبان، این مدارس را به سطح مکتب ارتقا می‌دهد و حتا بالاتر از آن می‌نشانند. خروجی مکتب با خروجی مدارس متفاوت است. آن‌که در مدرسه می‌آموزد، خود را مکلف به دفاع از اسلام می‌داند، در حالی که آن‌که به راستی از مکتب فارغ می‌شود، خود را مکلف به شناخت اسلام یا هر دین دیگر و هر پدیده دیگر می‌داند. این مدرسه‌رفته‌های مدافع اگر از مدارس جهادی طالبان فارغ شوند، از اسلام طالبانی دفاع خواهند کرد و نیروهای تخنیک‌حکومت‌داری و نیروهای جنگی آینده رهبران طالبان را تشکیل خواهند داد.

ضد ترقی ملا هبت‌الله مخالف باشند، براساس سنت حاکم در سلسله‌مراتب طالبانی، نه این‌ها توان صحبت کردن صریح را دارند و نه تاثیر چندانی روی تصامیم رهبری این گروه می‌گذارند. تصامیم مهمی مانند مساله آموزش و چگونه‌گی نصاب آموزشی در مکتب، مدارس دینی و دانشگاه‌ها، در قندهار گرفته می‌شود و طالبان کابل‌نشین بیشتر مامور اجرایی‌اند، نه تصامیم‌گیرنده. با این حال، چنین تلاش‌هایی می‌تواند روایت طالب تغییرکرده را از مرگ زودرس نجات دهد. هرچند به نظر می‌رسد این روایت در افغانستان مرده باشد، ولی بازی‌های طالبان توانسته تا حدی در بیرون از مرزها پایان چنین روایت‌هایی را به تاخیر بیندازد.

وجه غیرتبلیغاتی این دستور مولوی عبدالکبیر، از درک وضعیت خیر می‌دهد؛ این که آموزش مدرسه‌ای به درد این جهان نمی‌خورد و مشکلات دنیایی را حل نمی‌تواند. طالبان وقتی به قدرت برگشتند، همه بست‌های سیاسی و مدیریتی در ساختار دولت را از وجود نیروهای غیرطالب خالی کردند و جای آن‌ها را با ملاها و نیم‌چه ملاهای طالب پر کردند. از آن پس هم آهسته اما پیوسته تلاش کرده‌اند تا نیروهای غیرطالب را از بدنه و ساختار دولت حذف کنند. از جمله ملا هبت‌الله باری در دیدار با رییس‌ان منابع بشری ادارات دولتی تحت کنترل طالبان، دستور داده است که در هنگام استخدام کارمندان به مجاهدین (طالبان) اولویت دهند و برای تایید هویت یا اسناد، آن‌ها را سرگردان نکنند. این تلاش‌ها ممکن در هر جایی جواب دهد، اما وقتی به مسایل تخنیک‌می‌رسد، به بن‌بست می‌خورد؛ چرا که طالب متخصص و تخنیک‌ساز بسیار انگشت‌شمار است. آن‌ها حالا مجبورند افراد غیرطالب اما تخنیک‌ی و متخصص را در صورتی که سربزه‌زیر باشند، در بدنه حفظ کنند. از جانبی، آن‌ها را بیگانه می‌دانند و به آن‌ها اعتماد کامل نمی‌توانند. از آن‌جایی که این گروه با آموزش مدرن مخالف است، فقط بخشی از مضامین ساینسی را که در آینده مشکلی برای آن‌ها خلق نمی‌کند، وارد نصاب مدارس دینی-جهادی می‌سازد تا از نوجوانان و جوانان کشور روایات‌های چندکاره بسازد؛ روایاتی که هم واسکت انتحاری پوشیده بتوانند و مانند بم دستی عمل کنند و هم اگر زنده ماندند، جای نیروهای تخنیک‌ی غیرطالب را بگیرند. با این کار، دو هدف طالب برآورده خواهد شد: ۱. طالبان نشان می‌دهند که با آموزش غیردینی مشکل ندارند. ۲. ادارات دولتی را به صورت کامل در آینده - اگر رژیم عمر طولانی‌تر کند - از نیروهای طالب پر می‌کنند. با پر کردن ادارات از نیروهای طالب، در فردای سقوط دوباره، این گروه یا حامیانش به حد کافی نیروهای نیابتی خواهند داشت و پیش از سقوط، انحصار کامل

دو سال فعالیت شبه‌حکومتی، به طالبان فهمانده است که با آموزش مدرسه‌ای نمی‌شود مشکلات کشور را حل کرد. آن‌ها متوجه شده‌اند که آن‌چه در مدارس می‌خوانند، به درد زنده‌گی و حداقل به درد حکومت‌داری نمی‌خورد. آن‌ها متوجه شده‌اند که بیست سال فاصله میان دوره اول و دوره دوم طالبان، انتظارات مردم از حکومت‌داری را بسیار تغییر داده است. این گروه نیز خلاف ادعای خود، به زنده‌گی اهمیت زیادی می‌دهد. وقتی پای منافع مردم و وضعیت زنده‌گی آن‌ها در میان باشد، طالبان از آخرت صحبت می‌کنند و این که آن‌ها ماموریت دارند بهشت را پر از افغان کنند، ولی زمانی که پای منافع گروهی و جناحی خودشان به میان آید، بسیار زنده‌گی‌دوست و اهل «دار فانی» می‌شوند. اکنون که از آغاز سلطه این گروه بر کشور نزدیک به دو سال می‌گذرد، برنامه‌های دقیق‌تری برای جهان فانی می‌چینند و طرح‌های درازمدت‌تری را روی دست می‌گیرند تا سلطه این گروه کامل شود. یکی از این برنامه‌های درازمدت، تغییر نصاب آموزشی است. طالبان که پیش از آغاز سلطه بر کشور کمیت‌های را برای بررسی نصاب معارف مامور کرده بود تا آن را طالبانیزه کند، این بار با تغییراتی در نصاب آموزشی مدارس دینی-جهادی، تلاش می‌کنند این نهادها را به جای مکتب بگذارند. شیخ عبدالواحد طارق، رییس عمومی مدارس جهادی طالبان با مولوی عبدالکبیر، معاون سیاسی و سرپرست ریاست‌الوزرای این گروه دیدار کرده است. در این دیدار، مولوی عبدالکبیر گفته است که باید «مضامین عصری» نیز شامل نصاب آموزشی مدارس جهادی شود. هرچند دشمنی طالبان با آموزش عصری آشکار است، اما برخی از چهره‌های این گروه گاهی مواضع متفاوت‌تر از سیاست رسمی رژیم می‌گیرند.

طالبان بازی‌های مختلفی راه انداخته‌اند. یکی از این بازی‌ها، بازی طالب خوب و طالب بد است. تعدادی از طالبان کابل‌نشین، از جمله مولوی عبدالکبیر، ملا یعقوب، سراج‌الدین حقانی و چند چهره معدود دیگر تلاش می‌کنند روایت «طالب تغییر یافته» را همچنان زنده نگه دارند و از خود شخصیت منعطف‌تر و تا حدی مدرن نشان دهند. اعضای این حلقه سعی می‌کنند خود را از ملا هبت‌الله و حلقه‌اش متفاوت‌تر نشان دهند و به نحو غیرمستقیم اعلام کنند که با سیاست‌های بسته و خلاف آموزش او مخالف‌اند. صحبت کردن از الزام آموزش مضامین غیردینی (عصری) در مدارس، می‌تواند یک وجه تبلیغاتی داشته باشد و به همین هدف صورت گرفته باشد. با این حال، حتا اگر این افراد به راستی با دستورها

## طالبان در تلاش آغاز دوباره گفت‌وگو میان تی‌تی‌پی و دولت پاکستان استند

اصبح، کابل: رسانه‌های پاکستانی گزارش داده‌اند که طالبان افغان تلاش‌های خود را برای آغاز دوباره مذاکرات میان تحریک طالبان پاکستانی و دولت این کشور از سر گرفته‌اند.

اکپرس تیریبون، یک‌شنبه، ۲۸ جوزا، گزارش داده که اخیراً نورولی محسود، رهبر تحریک طالبان پاکستانی (تی‌تی‌پی)، احتمالاً با میانجیگری طالبان افغان با هیأتی از مناطق مرزی پاکستان و افغانستان دیدار کرده است.

این نشست بخشی از تلاش‌ها برای بررسی احتمال ازسرگیری مذاکرات است که در ماه نوامبر سال گذشته متوقف شده بود. تا کنون دو طرف به گونه رسمی این موضوع را تایید نکرده‌اند.

یک مقام پاکستانی که با طالبان افغان رابطه نزدیک دارد از این نشست ابراز بی‌خبری کرده است.

در همین حال، یک مقام ارشد دولت پاکستان گفته است که هیچ تغییری در سیاست این کشور در برابر طالبان پاکستانی به وجود نیامده است.

این مقام که خواسته نامش فاش نشود گفته است: «ما دیگر به دنبال گفت‌وگو با تحریک طالبان پاکستان نیستیم.»

پیش از این، مقام‌های پاکستانی، تسلیمی تی‌تی‌پی را یکی از پیش‌شرط‌های آغاز گفت‌وگوهای صلح عنوان کرده‌اند.

به رغم خودداری پاکستان از ادامه گفت‌وگوهای صلح، طالبان افغانستان همچنان به تلاش‌های خود برای نزدیکی اسلام‌آباد با تی‌تی‌پی ادامه می‌دهد.

امیرخان متقی، وزیر امور خارجه طالبان، در سفر ماه می خود به اسلام‌آباد از گفت‌وگو با تحریک طالبان پاکستانی با وجود امتناع این کشور، حمایت کرد.

با این همه، اسلام‌آباد به این باور است که طالبان افغان هیچ‌گاه علیه تحریک طالبان پاکستانی از زور استفاده نخواهند کرد، زیرا آنها یک هدف مشترک را دنبال می‌کنند.



۸ صبح، کابل: تیم ملی فوتبال زیر سن ۱۷ سال افغانستان در دومین بازی‌اش در رقابت‌های فوتبال جام ملت‌های زیر سن ۱۷ سال آسیا و مقدماتی جام جهانی ۲۰۲۳ نوجوانان، با نتیجه چهار بر صفر در برابر کوریای جنوبی شکست خورد. این دیدار عصر روز دوشنبه، ۲۹ جوزا، در ورزشگاه «پاتوم تانی» در تایلند برگزار شد. با این نتیجه، افغانستان از گردونه این رقابت‌ها حذف شد. این در حالی است که تیم ملی فوتبال زیر سن ۱۷ سال افغانستان در دیدار نخست‌اش با نتیجه شش بر یک در برابر تیم ایران شکست را پذیرفته بود. رقابت‌های جام ملت‌های فوتبال نوجوانان آسیا مثل جام ملت‌های بزرگ‌سالان با حضور ۱۶ تیم در چهار گروه چهار تیمه در تایلند برگزار می‌شود و در پایان از هر گروه دو تیم به دور حذفی صعود می‌کند.

## روسیه کمک سازمان ملل به قربانیان سد کاخوفکا را مسدود کرد

مقام‌ها در سازمان ملل متحد گفتند که مسکو پیشنهاد این سازمان برای رساندن کمک به مردم مناطق تحت اشغال روسیه که در پی جاری شدن سیل ناشی از تخریب بند نوا کاخوفکا آسیب دیده‌اند را رد کرده است.

الجزیره، روز دوشنبه، ۱۹ جون، گزارش داده است که سازمان ملل متحد از روسیه خواسته تا به تعهدات خود تحت قوانین بین‌المللی بشردوستانه عمل کند.

دنيس براون، هماهنگ‌کننده کمک‌های بشردوستانه سازمان ملل برای اوکراین، افزوده است: «سازمان ملل متحد به هر کاری که می‌تواند برای دسترسی به همه مردم از جمله کسانی که در نتیجه تخریب سدهای اخیر رنج می‌برند بدون توجه به جایی که هستند، به کمک‌های نجات نیاز دارند، ادامه خواهد داد.»

مسکو در حالی فعالیت سازمان‌های مدرسان در کاخوفکا را ممنوع کرد که پس از جاری شدن سیل، خانه‌ها و زمین‌های مردم تخریب شد و ۱۱ هزار تن را مجبور به تخلیه از مناطق شان کرده است.

شمار تلفات سیل ناشی از انفجار بند کاخوفکا در جنوب اوکراین، به ۵۲ تن رسیده است.

هرچند تا کنون مشخص نیست که این بند از سوی کدام کشور تخریب شده است، اما تیمی از کارشناسان حقوقی بین‌المللی که به دادستان‌های اوکراین در تحقیقات‌شان کمک می‌کنند، گفتند که به احتمال زیاد سقوط سد ناشی از مواد منفجره کار گذاشته شده توسط روس‌ها بوده است.

بند کاخوفکا در حالی انفجار داده شد که اوکراین در حال آماده شدن برای انجام یک ضد حمله به هدف واپس‌گیری مناطق از دست رفته خود از کنترل روسیه بود.

## کانادا هفت قاضی ایرانی را تحریم کرد

دولت کانادا اعلام کرد که هفت قاضی ایرانی را به دلیل نقض حقوق بشر مورد تحریم قرار داده است. بر بنیاد گزارش رویترز، کانادا روز دوشنبه، ۱۹ جون، با نشر اعلامیه‌ای گفته است که تحریم‌های وضع شده شامل ممنوعیت معاملات تجاری و مسدود شدن دارایی‌های آنان می‌شود.

در اعلامیه آمده است: «تحریم‌های امروز ۷ نفر را به دلیل نقش آن‌ها در نقض فاحش و سیستماتیک حقوق بشر در سیستم قضایی کیفری ایران به ویژه دادگاه‌های انقلاب ایران فهرست کرده است.»

کانادا اضافه کرده است: «قضات و دادگاه‌های ایران در پی محاکمات ساخته‌گی و بر اساس شواهد جمع‌آوری شده در زیر شکنجه احکام اعدام بدنام و احکام شدید زندان صادر کرده‌اند.»

در گزارش رویترز هویت افراد تحریم شده افشا نشده است.

در همین حال، ملانی جولی، وزیر امور خارجه کانادا گفته است که این کشور تحریم‌های بیشتری را تحت مقررات اقدامات ویژه اقتصادی بر ایران اعمال می‌کند.

این دوازدهمین بسته تحریمی است که کانادا علیه ایران از اکتبر ۲۰۲۲ اعمال می‌کند.

## کشتی جنگی روسیه جان ۶۸ مسافر را از غرق شدن در دریای مدیترانه نجات داد

داده‌اند.

این دو فروند کشتی روسی مسافران قایق در حال غرق شدن را با کمک به گارد ساحلی یونان به جزیره «لروس» منتقل کردند.

وزارت دفاع روسیه به ملیت مسافران این قایق اشاره‌ای نکرده است.

ناوگورشکوف، یکی از کشتی‌های جنگی پیشرو روسیه و مجهز به موشک‌های هایپرسونیک است. مشخص نیست که این کشتی در زمان حادثه چه سلاحی به همراه داشته است.

در همین حال رسانه‌های یونانی نیز بدون اشاره به روسیه، این حادثه را تایید کردند.

این در حالی است که یک قایق ماهی‌گیری حامل صدها پناهجوی که قصد داشتند به اروپا سفر کنند، چهارشنبه گذشته در ساحل جنوبی یونان واژگون شد و دست کم ۷۹ تن از مسافران آن جان باختند و ۱۰۴ نفر نجات پیدا کردند و هنوز تعداد زیادی ناپدید هستند.



کشتی باری این کشور مسافران یک کشتی مسافربری با پرچم‌های یونان و آلمان را از خطر مرگ نجات داد. در این اعلامیه آمده است که کشتی آدمیرال گورشکوف و کشتی باری «پیژما» عملیات نجات موفقیت آمیزی را انجام دادند و به مسافران کمک‌های صحی انجام

وزارت دفاع روسیه اعلام کرد که یک کشتی جنگی و کشتی باری این کشور ۶۸ تن را از یک قایق در دریای مدیترانه نجات داده است.

وزارت دفاع روسیه روز دوشنبه، ۱۹ جون، در اعلامیه‌ای گفته است که کشتی جنگی «آدمیرال گورشکوف» و یک

## حمله ارتش اسرائیل به فلسطینیان در کرانه باختری؛ سه تن کشته و دهها تن زخمی شدند

بامداد امروز برای بازداشت دو مظنون تحت تعقیب که گفته می‌شود در حملات پیشین علیه اسرائیلی‌ها دست داشتند وارد شهر جنین در کرانه باختری رود اردن شدند. با این حال، وزارت صحت فلسطین شمار تلفات ناشی از درگیری‌های شدید میان سربازان اسرائیلی و فلسطینیان در جنین را دست کم سه تن اعلام کرده و یادآور شده است که دهها تن نیز در این درگیری‌ها مجروح شده‌اند.

این در حالی است که با توقف طرح صلح مورد حمایت امریکا در خاورمیانه از تقریباً یک دهه گذشته، تنش میان اسرائیل و فلسطینی‌ها تشدید شده، جنین و سایر مناطق شمال کرانه باختری به کانون حملات اسرائیل و درگیری‌ها میان دو طرف تبدیل شده است.

بر بنیاد گزارش‌ها، دست کم سه فلسطینی در جریان حمله کماندوهای ارتش اسرائیل به کرانه باختری رود اردن کشته و بیش از ۴۰ تن دیگر زخمی شده‌اند.

رسانه‌های بین‌المللی روز دوشنبه، ۱۹ جون، گزارش داده‌اند که این حادثه در جریان درگیری میان فلسطینیان و نیروهای کماندوی ارتش اسرائیل در شهر جنین رخ داده است که طی آن دست کم هفت سرباز و پولیس مرزی اسرائیل نیز زخمی شده‌اند.

گفته می‌شود که ارتش اسرائیل در این درگیری از بالگرد نظامی برای شلیک راکت به سوی فلسطینیان استفاده کرده است.

این درگیری پس از آن رخ داد که نیروهای ارتش اسرائیل



## سی‌ان‌ان: ۳۰۰ پاکستانی در پی واژگون شدن قایق در آب‌های یونان جان‌باخته‌اند

پاکستان شده است.

در همین حال آژانس مهاجرت و آگاهی پاکستان (FIA) به رسانه‌های این کشور گفته است که شمار مهاجران ناپدید شده پاکستانی در پی این حادثه به ۸۳ تن رسیده که بیشتر آنان متعلق به کشمیر تحت کنترل پاکستان و شهرهایی از ایالت پنجاب هستند.

این درحالی است که شهباز شریف، نخست‌وزیر پاکستان با اعلام یک روز عزای عمومی در این کشور دستور فوری برای سرکوب شبکه‌های قاچاق انسان و همه‌عواملی که در انتقال غیرقانونی اتباع این کشور به خارج دست دارند، را صادر کرد.

فاجعه واژگونی قایق در سواحل یونان موج شدیدی از انتقادات را در پاکستان به دنبال داشته و احزاب و خانواده‌های قربانیان دولت را به کم کاری در مبارزه با قاچاق انسان متهم کرده‌اند.

بر اساس آمار کمیساری عالی پناهنده‌گان سازمان ملل متحد، در سال ۲۰۲۲، حدود یک هزار و ۵۰۰ مهاجر در دریای مدیترانه غرق و مفقود شده‌اند و نزدیک به ۵۰ هزار تن دیگر به سواحل اروپا رسیده‌اند.



سی‌ان‌ان با استناد به اعلامیه رییس مجلس سنای پاکستان در خصوص واژگون شدن قایق مهاجران در سواحل یونان مدعی شده است که ۳۰۰ تن از قربانیان این حادثه را مهاجران پاکستانی تشکیل می‌دهند.

بر بنیاد این گزارش، محمد صادق سنجرانی، رییس مجلس سنای پاکستان روز دوشنبه، ۱۹ جون، گفته است که دست کم ۳۰۰ مهاجر پاکستانی شامل قربانیان و ناپدید شده‌گان قایق غرق شده در آب‌های یونان می‌شوند.

رسانه‌های پاکستانی نیز گزارش داده‌اند که این حادثه تبدیل به یک تراژدی بی‌سابقه برای

## گلوله‌باری در امریکا یک کشته و ۲۳ زخمی برجا گذاشت

مقام‌های امریکایی اعلام کرده‌اند که در پی گلوله‌باری بر تجمع مردم در یکی از پارک‌های شهر شیکاگو ایالت ایلینوی، یک نفر کشته و ۲۳ تن دیگر زخمی شده‌اند. الجزیره گزارش داده است که این رویداد روز یکشنبه، ۱۸ جون، رخ داده است.

پولیس شیکاگو گفته است که صدها نفر در این پارک به‌خاطر تجلیل از «جوننتینت» یا تاریخ ۱۹ جون که به‌عنوان روز پایان برده‌گی سیاه‌پوستان در امریکا شناخته می‌شود، گردهم آمده بودند. به گفته پولیس منطقه، مرد حمله کننده در میان اشتراک کننده‌گان این تجمع مسالمت‌آمیز بود. تا کنون انگیزه این گلوله‌باری مشخص نشده و پولیس کسی را در ارتباط به این رویداد بازداشت نکرده است. جی بی پریترکر، والی ایالت ایلینوی، با نشر اعلامیه‌ای گفته است که تحقیقات در مورد این گلوله‌باری آغاز شده است.

این در حالی است که حدود ۱۰ روز پیش نیز در یک حادثه مشابه در شهر دنور، مرکز ایالت کلرادو امریکا، ۱۰ نفر زخمی شدند.

بر اساس گزارش‌ها، در پنج ماه نخست سال روان میلادی ۳۱۰ مورد حمله مسلحانه در نقاط مختلف امریکا صورت گرفته و به شمول ۱۱ هزار مورد خودکشی، ۱۹ هزار و ۸۰۰ تن در جریان این حملات کشته شده‌اند.